

باز آفرینی تصویری شهر از متون تاریخی 'نیشابور غازانخانی'

دکتر علیرضا عیسی نر

دکتر احمد میرزا کوچک خوشنویس

چکیده:

در این مطالعه "باز آفرینی تصویری"، دریافت و تدوین تصویر اجتماعی-کالبدی در دوره ای خاص از تحول شهر تعریف شده است. به منظور تدوین چنین دریافتی شهر کهن نیشابور با پیشینه فرهنگی-تاریخی غنی برای مطالعه موردی انتخاب شده است. مراجعه به متون تاریخی و ادبی همزمان با دوره مورد مطالعه شهر، یعنی از بامداد اسلام تا انتقال شهر به مکان جدید در دوره شاهرخ تیموری، و همچنین مشاهدات اسنادی و آثار و نشانه های باقیمانده از شهر کهن اطلاعات مورد نیاز تحقیق حاضر را فراهم آورده است. در این مقاله، تصویر اولیه بدست آمده که به صورت نقشه و با مقیاس واقعی ترسیم شده، با حاصل تحقیقات قبلی در این زمینه به صورت تحلیلی و مستند مقایسه و تصویر نهایی تراکم شده است. به دلیل نیاز به تحقیق میدانی بیشتر، و احتمالاً کاوش های باستان شناسی که در کوتاه مدت قابل انجام نیستند، در نقشه نهایی حصار شهر کهن به شکل قطعی ترسیم نشده است. از ویژگی های تصویر جدید ترسیم شده جزئیات محلات و حدود دروازه های کهن، شارسرستان و محدوده بیرونی شهر کهن است. نتایج بدست آمده، میتواند ضمن کمک به تعیین محدوده شهر کهن و حفظ حریم فرهنگی-کالبدی آن، نشانه های مستندی را برای انجام تحقیقات باستان شناسی بعدی فراهم آورد؛ و در مقابل جمع آوری چنین اطلاعاتی به اصلاح و تکمیل مجدد تصویر شهر کمک خواهد کرد. مجموعه این تلاش ها زمینه های ایجاد جاذبه های فرهنگی و گردشگری شهر کهن و شهر فعلی نیشابور را فراهم آورده، و در رشد فرهنگی ساکنین شهر جدید موثر خواهد بود.

واژه های کلیدی:

باز آفرینی، تصویر شهر، نیشابور کهن، گردشگری، سیر تحول شهر، شکل شهر

- * این تحقیق با استفاده از اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، تحت عنوان "باز آفرینی تصویری شهر از متون تاریخی: نمونه نیشابور" در سال ۷۹-۱۳۷۸ در دانشکده هنرهای زیبا انجام شده است.
- ** استادیار گروه معماری، دانشکده هنرهای زیبا
- *** استادیار گروه معماری، دانشگاه بین الملل امام خمینی (ره)

مقدمه

است. همچنین مشاهده و پیمایش زمینی در منطقه شهر قدیم و ثبت آثار و نشانه های کالبدی شهر تاریخی به وسیله کروکی و عکس و مقایسه و تحلیل آن ها با یافته های حاصل از مشاهدات اسنادی، به تصحیح یافته های تصویری از شهر کهن کمک کرده است.

مرحله اول تحقیق حاضر بازبینی پژوهش قبلی نگارندگان مقاله ۱ و بررسی مجدد مطالب مستخرج از دوره تحول مورد نظر شهر و تطبیق آن با متون تاریخی و تکمیل مطالب قبلی بوده است. حاصل این بخش تحقیق در دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران در ارگ بم کرمان ارایه و در جلد دوم مجموعه مقالات کنگره منتشر شده است (عینی فرو و خوشنویس، ۱۳۷۸).

در مرحله دوم، ضمن ادامه رجوع به تحقیقات قبلی و اسناد جدید بدست آمده، بازدیدهای دیگری از منطقه شهرکهن نیشابور انجام و کنترل های لازم در مدارک قبلی به عمل آمد. جهت استفاده بهتر از تحقیقات قبلی نقشه اولیه ترسیم شده توسط این گروه با سه کار تحقیقی دیگر که به صورت تصویری انجام شده اند مطابقت داده شد و نتایج تحلیلی حاصل در ترسیم تصویر نهایی بکار گرفته شد.

در مرحله آخر، اطلاعات جدید بدست آمده جمع بندی و با عکس های هوایی و نقشه های منطقه تطبیق داده شد. بین تصویر بدست آمده از تحقیق اولیه و نتایج آخری تحقیق تفاوت هایی وجود دارد که در نتیجه گیری مطالعه به آن پرداخته شده است. در نقشه جدید به دلیل نیاز به تحقیق میدانی بیشتر، و انجام کاوش های باستان شناسی، که در کوتاه مدت امکان پذیر نیست، بحصار شهر کهن به صورت قطعی ترسیم نشده است.

بازآفرینی تصویری شهر، دریافت و تدوین تصویری اجتماعی-کالبدی در دوره ای خاص از تحول شهر است. چنین دریافتی با مراجعه به متون تاریخی و ادبی همزمان با دوره مورد مطالعه شهر و همچنین مشاهدات محلی و آثار و نشانه های تاریخی موجود امکان پذیر است. بنابر این، هدف از این مطالعه، به جای بررسی صرفاً تاریخی، ایجاد ارتباطی تصویری بین واقعیت های تاریخی شهر و فرم کالبدی آن است. نتیجه چنین مطالعاتی ضمن بدست دادن روشی برای بررسی های تاریخی در رشته های معماری و شهرسازی و مطالعات محیطی، بستری قابل اتکا و مستند را برای حفظ محوطه های تاریخی فراهم می آورد. شهر نیشابور از غنای کافی برای تدوین روش باز آفرینی تصویری شهرهای تاریخی برخوردار است. برای این منظور دوره ای خاص از تحول شهر مذکور که به شهر "غازان خانی" معروف است و سال ها پیش در اثر وقوع زلزله به طور کامل تخریب و در دل خاک مدفون شده، برای مطالعه موردی انتخاب شده است.

روش تحقیق مشاهده اسنادی با مراجعه به اسناد اولیه شامل عکس های هوایی و نقشه های دوره های مختلف شهر و تحلیل محتوای متون تاریخی و ادبی دست اولی است که مستقیماً توسط خود مورخین یا ادبای همزمان با تحولات شهر نوشته شده اند. اسناد ثانویه و تحقیقاتی که توسط مورخین، باستان شناسان و پژوهشگران معاصر با مراجعه به متون اصلی انجام پذیرفته است از منابع قابل استفاده دیگر است. برخی از این تحقیقات به صورت مطالعه تاریخی است و بعضی دیگر منجر به ارایه تصویر شهر به دو شکل نقشه و ترسیم سه بعدی شده است. مکمل مشاهدات اسنادی بحثی تحلیلی و مقایسه ای بین تصاویر ترسیم شده قبلی و تطبیق آن ها با اسناد تاریخی و ادبی

برداشت تصویری از متون تاریخی و ادبی

برداشت از متون تاریخی و ادبی با هدف بدست آوردن تصویر شهر به دو صورت ترتیب زمانی و مراجعه به متون تاریخی و ادبی خاص انجام پذیرفته است. در هر دو شکل یادداشت هایی از جزئیات عناصر کالبدی-اجتماعی شهر تهیه شده و سپس با مشاهدات محلی و نقشه های شهر تطبیق داده شده است ۲.

در کتب تاریخی، نیشابور یکی از شهرهای بزرگ خراسان در طول تاریخ و در شمار ارکان این سامان ذکر شده، و از دیر ایام به خاطر وسعت و عظمت کم نظیر، آبادانی و خرمی و ویژگی های زیستی و انسانی آن، و شاید ارتفاع شهر از سطح دریا، به زعم مردم بلندترین شهر ایران و "ارفع مقام مسکون" خوانده شده و در

کتب قدیم "ابر شهر" (شهر برتر، شهر بزرگ) نامیده شده است. شاید به دلیل فاصله زیاد بین تیسفون پایتخت ساسانیان تا نیشابور و یا به دلایل دیگری از نیشابور ساسانی در کتب تاریخی موجود صحبت زیادی نشده است. حتی هرودت و استرابون دو مورخ قدیم از این شهر نامی نبرده اند در حالی که راجع به خراسان و پیرامون آن صحبت های زیادی شده است. حمداله مستوفی در نزه القلوب (۱۳۳۶، ص ۱۸۴) و الحاکم در تاریخ نیشابور (۱۳۳۹، ص ۱۱۸) بنای نیشابور را به منوچهر، پادشاه داستانی نسبت داده و حتی گفته اند که منوچهر نخستین کسی بوده که شبکه آبرسانی کاریزی را در نیشابور حفر کرده است. به استناد

کتب تاریخی شاید بتوان پذیرفت که این شهر در روزگار شاپور ساسانی پی ریزی شده و آتشکده برزین مهر نخستین سند بنای این شهر در اسناد تاریخی است (جنیدی، ۱۳۶۶؛ اعتضادی، ۱۳۷۴). به گفته برخی مورخین شاپور اول بنای ویران شده نیشابور را مرمت کرد (مستوی، ۱۳۳۶، ص ۱۸۴) و شاپور دوم نیز به آبادانی آن افزود (الحاکم، ۱۳۳۹، ص ۱۹۹).

بر خلاف دوره ساسانی، در دوره اسلامی در کتب تاریخی چهره روشن تری از شهر نیشابور ترسیم شده است. در زمان فتح اسلام نیشابور دارای برج و بارو بوده و بیشتر ساختمان های آن از خشت خام بوده است. در سال ۵۳۲ ه. ق. یعنی در زمان خلافت خلیفه سوم، عبدالله عامر نیشابور را فتح کرد و در آن جا اقامت گزید. بعدها در زمان معاویه پنجاه هزار سپاه عرب با خانواده به نیشابور و مرو و بلخ و دیگر شهر های خراسان اعزام شدند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ص ۱۱۹).

مسجد جامعی که عبدالله عامر بر جای آتشکده نخستین نیشابور که در کهن دژ (قهندز) قرار داشت ساخته بود مناره ای نداشت بعدها یزید بن مهلب مناره ای بر آن ساخت. زیاد سردار اسلامی که در اوایل حکومت بنی امیه به خراسان آمد، آن سرزمین را به چهار بخش تقسیم کرد و نیشابور یکی از آن بخش های چهارگانه بود که اهمیت و اعتبار خاصی داشت (الحاکم، ۱۳۳۹، صص ۲-۱۴۱). از این تاریخ به بعد از وضع جغرافیایی و ظاهری و مردم شهر اطلاع دقیقی در دست نیست، تا این که یعقوبی (متوفی در ۲۹۰ هجری) در کتاب تاریخ یعقوبی (۱۳۴۳) از نیشابور نام برده است. این مطالب در مورد وضع دوران اوایل حکومت بنی امیه تا اوایل حکومت طاهریان است.

سال ۱۰۱ ه. ق. اولین نماینده عباسیان جهت بیعت با امام ابراهیم بر ضد امویان به خراسان رفت. ابو مسلم خراسانی در این زمان به مرو رفته و نهضتی به نام سیاه جامگان شکل گرفت. ابو مسلم مأمور جمع آوری سپاهی از خراسان و دفع شر امویان و دادن خلافت به عباسیان شد. نیشابور در پاییز سال ۱۳۱ هجری قمری از دست امویان آزاد شد. خراسان به ویژه نیشابور تا سال ۱۸۰ ه. ق. با شورش ها و نهضت هایی دست به گریبان بود تا حکومت به مأمون رسید.

چون از آغاز گشایش ایران به دست مسلمانان، خراسان مرکز تجمع دوستاناران آل علی بود و ابو مسلم و یارانش نیز جهت نهضت مبارزه با امویان و همچنین یحیی علوی در این دیار طرفداران زیادی داشتند، نیشابور برای پرورش و گسترش مذهب شیعه موقعیتی خاص پیدا کرد و مأمون به ناچار برای به کنترل در آوردن شیعیان، امام رضا (ع) را به ولیعهدی برگزید و ایشان را تحت الحفظ به مرو فرستاد. در مورد توقف حضرت رضا (ع) در نیشابور اقوال مختلف و متفاوتی وجود دارد. از جمله محل اقامت امام محله ای به نام "فز" در کوچه بلاش آباد ذکر شده است.

در میان روایات نقل شده در این زمان مواردی وجود دارد که

به شناخت جغرافیایی و کالبدی شهر کمک زیادی می کند. برای مثال اینگونه روایت شده است که "روزی امام (ع) در محلی به نماز قصد فرمودند کسی سوال کرد که محراب موضع قبله مستقیم هست؟ دست آن کس را گرفتند و به انگشت مبارک اشارت فرمودند که طرف شارع عام از امام قهندز می گذرد". امام از نیشابور به مرو رفتند و در سال ۲۰۲ ه. ق. در سناباد طوس در باغ حمید بن قحطبه مسموم و شهید شدند.

در کامل ابن اثیر آمده است که، طاهر روز چهاردهم ذی قعدة ۲۰۵ ه. ق. به سوی خراسان عزیمت کرد (ابن اثیر، بی تا، ص ۶۰). او مرو را مرکز اول و نیشابور را مرکز ثانوی حکومت خویش قرار داد. طاهر در نیشابور قنات هایی حفر کرد که بسیار معروف بوده است و حتی تا امروز هم وقتی قناتی حفر شود و به منبع آب سرشاری برخورد کند عامه می گویند که به کهنه طاهری پیوسته است (الحاکم، ۱۳۳۹، صص ۱۴۸-۱۳۸). از خصوصیات این قنات ها گلوی طاهری بوده که لوله های سفالین بیضی شکلی بوده که در زمین سست و شنی قرار می گرفته و هنوز هم بر زبان عامه مردم جاری است.

بعد از طاهر، در سال ۲۰۹ ه. ق. عبدالله طاهر به حکومت رسید. مقارن همین ایام خشکسالی بزرگی بر خراسان مستولی شد. به روایت تاریخ الحاکم، عبدالله طاهر باغ شادیاخ را محل اقامت خویش کرد و لشکریانش در اطراف آن اقامت نمودند و بین منطقه رفته رفته مهم ترین بخش نیشابور شد. در همین کتاب آمده است که، "... چون عبدالله در نیشابور مسکن گزید به بیرون شهر سرایی ساخت و آن را دارالاماره نامید و لشکریان نیز هر یک بر حسب توان خویش در اطراف آن عمارتی ساختند و آن جا شهری جداگانه شد که نام شادیاخ بر آن نهادند" (الحاکم، ۱۳۳۹).

در زمان عبدالله طاهر، نیشابور به خاطر موقعیت خاص جغرافیایی و مزایای طبیعی به کمال رونق و آبادانی رسید. و عمارت و ابنیه مجلل و زیبا تمام محوطه آن را از ارک شادیاخ تا کنار شهر قدیم اشغال کرد. در باره وضعیت کالبدی شهر این زمان حمداله مستوفی (۱۳۳۶، ص ۱۸۲) چنین می گوید:

"مساحتش یک فرسنگ تا یک فرسنگ است و شارستان آبادان دارد (حصار نخستین شهرستان) که قهندز و ریض را در بر می گیرد و مسجد آدینه (مصلی) در ریض قرار گرفته، است در جایی که به قول ابن حوقل موسوم به معسگر (لشکرگاه) است و سرای امارت و زندان یک چهارم فرسنگ (۱/۵ کیلومتر) وسعت دارد. زندان و دارالاماره نزدیک هم است و در میدان حسین واقع شده است و این سرای امارت را عمرولیث صفاری ساخته است."

نیشابور از عهد طاهریان به بعد دارالملک شد و از این شهر ادیبان معروف برخاسته اند چندان که علمای این سامان را شمار نتوان کرد (استخری، ۱۳۶۴، صص ۲۰۳ و ۲۰۵). "در میانه بازار نیشابور کاروانسراها و فندق ها (قهوه خانه) وجود دارد و بازرگانان در آن جا به داد و ستد می نشینند و میز خانبارهایی و

حانوت هایی و حجره هایی است که صاحبان حرف و صنایع در آنها مشغولند از قبیل کلاهسازان، کفشگران، خرازان، ریسمانگران، بزازان که هر یک بازارهایی مخصوص دارند" (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۱۰۱).

شروع قیام صفاریان سال ۲۵۳ ه.ق. و فتح نیشابور ذی‌القعده سال ۲۵۹ بوده است. "می گویند چون یعقوب لیث بر خراسان مستولی شد نیشابور را دارالملک نمود. شارستان شهر نیشابور چهار دروازه داشت که یکی را دروازه پول (راس القنطره) و دیگر را دروازه کوی معقل و سه دیگر را دروازه قهندز و آخری را دروازه پل تکین نام نهاده اند. که قهندز از شارستان بیرون است و دروازه نیز دارد" (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۱۶۷؛ مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۳۱۴) "و ربض گرد بر گرد پیرامون شارستان قهندز قرار گرفته است و خود ربض دروازه‌هایی دارد که یکی را دروازه جنگ نام کرده اند، که از آن سوی به بلخ و ماوراء النهر و مرو می روند. یکی دروازه قباب است (گنبدان) که بر سر راه عراق و گرگان طرف غرب قرار گرفته است. و یکی دروازه احوض آباد دروازه جنوبی است که دروازه شهرهای پارس و قهستان است. و بازارهای نیشابور در ربض است" (مقدسی، ۱۳۶۱، ص ۳۱۵).

گذشته از دروازه های یاد شده ربض به نام دروازه هایی چون باب سوخته بر می خوریم. مقدسی بیش از پنجاه دروازه را در این شهر نام برده است. به گفته وی ربض زیر شهر به سمت بازار شش قسمت است. استخری در مسالک الممالک (۱۳۶۴، ص ۲۰۴) راجع به بازارهای شهر این گونه آورده است: "اما بازارهای نیشابور در ربض و بیرون شهر قرار گرفته اهم آن دو بازار است، مربعه الکبیره و مربعه الصغیره. اگر از مربعه به سوی مشرق روی بازار تا مقابر حسین کشیده شده است. بازار شمالی تا راس القنطره می رسد". سامانیان تا آخر قرن چهارم پایتخت را به مرو بردند ولی از اهمیت نیشابور کاسته نشد و همواره به عنوان شهر درجه اول باقی ماند.

غزنویان و سلجوقیان در اواسط قرن پنجم نیشابور را دست بدست می کردند. طغرل در سال ۴۲۹ ه.ق در نیشابور رسماً تاجگذاری کرد. ناصر خسرو قبادیانی که در سال ۴۳۷ ه.ق. از نیشابور دیدن کرده در سفرنامه خود از بنای مدرسه ای در این شهر یاد کرده که به دستور طغرل در شرف تاسیس بوده است. وی این گونه نقل کرده است که: "روز شنبه یازدهم شوال در نیشابور شدم، پنج شنبه آخر این ماه کسوف بود و حاکم زمان طغرل بیک بنای مدرسه ای فرموده بود به نزدیک بازار سراجان و آن را عمارت می کردند و او خود به ولایت گیری به اصفهان رفته بود" (ناصرخسرو قبادیانی، ۱۳۶۳، ص ۳).

آلب ارسلان در سال ۴۵۵ ه.ق. تاجگذاری کرد و بر فراز تپه آلب ارسلان (قهندز نیشابور قدیم) کاخ خود را ساخت. خواجه نظام الملک وزیر آلب ارسلان و ملکشاه سلجوقی اولین نظامیه را در سال ۴۵۶ ه.ق. همراه با بیمارستان کنار آن و رصدخانه ملکشاهی در نیشابور ساخت. در این دوران اختلاف شیعه و سنی، اشعری و معتزلی و نفاق های داخلی مذاهب چهارگانه اهل سنت آسایش و آرامش را از مردم این شهر سلب نموده بود و غالباً این تعصبات و مجادلات مذهبی منجر به زد و خوردها و کشتارها و آتش سوزی های وحشت انگیز می شد. در سال ۴۸۹ شافعیه و حنفیه نیشابور بر ضد کرامتیه اتفاق کردند و بسیاری از آنها را کشتند و اماکن مخصوص این فرقه را خراب کردند (ابن اثیر بی تا، جلد ۸، ص ۱۷۲).

عمیدالملک کندی حنفی مذهب - خواجه نظام الملک شافعی مذهب هر دو از رجال مقتدر این عصر و وزرای متعصب بودند که به خاطر حمایت هم مسلکان خویش و نفی مخالفان آتش اختلاف را دامن می زدند. کوشش هایی که خواجه در قتل وزیر قبلی (عمیدالملک کندی) و حمایت از اشعری مذهبیان و شافعی های خراسان کرد و او را به تاسیس نظامیه ها واداشت هر چند برای مدت کوتاهی اوضاع و احوال را به نفع شافعیه و ایجاد آرامش نسبی در این شهر تغییر داد ولی آتش نفاق همچنان زبانه می کشید و مذاهب مختلف سرگرم تخریب و جبهه بندی به منظور انتقام بودند (ابن اثیر بی تا، جلد ۸، ص ۱۷۲).

نیشابور در تهاجم ترکان غز در سال ۵۴۸ ه.ق. بکلی ویران شد و در آن خانه سالمی باقی نماند. "غزان پس از غلبه بر سنجر و اسارت او دارالملک مرو را غارت و زیر و زبر نمودند سپس به نیشابور روی نهادند.... دیوارها خراب کردند و مساجد بسوختند و یحیی سرور ائمه عراق و خراسان را بکشتند و در شهری چون نیشابور آن جا که مجامع انس و مواری علم و محافل صدور بود مراعی اغنام و مکامن وحوش و هرام شد...." (راوندی، ۱۳۶۴، صص ۱۸۰ و ۱۸۲). آن گونه که در کامل ابن اثیر (بی تا، جلد ۹، ص ۴۰) آمده، در ۵۵۴ ه.ق. پس از آن همه کشتار و خرابی ناشی از حمله غز بین علویان و شافعیه چنان فتنه عظیمی رخ می دهد که بسیاری شافعیه کشته و خانه ام الحرمین و بازارها و مساجد بسیار طعمه حریق گردیده و درس شافعی در نیشابور تعطیل میشود. در سال ۵۵۵ ه.ق. زلزله ای شدید شهر را بکلی خراب کرد و مردم به طرف کاخ شادیاخ رفتند و محلات جدید شهر را در اطراف آن بنا کردند.

دهم صفر سال ۶۱۸ ه.ق. مغول ها به نیشابور هجوم آوردند. مردم نیشابور مردانه ایستادند و شبانه مدافعین شهر به نیروهای مغول که در پشت دیوار خندق شهر اقامت کرده بودند

حمله می بردند. مغولان با خیانت مردی که قول حکومت گرفته بود وارد شهر شدند. در این حمله حاکم شهر و شیخ عطار به دست مغولان کشته شدند. در حبیب السیر خواند میر (۱۳۳۳، ج ۳، ص ۴۱) این گونه آمده است که، "زن و مرد نیشابور به صحرا برده شدند و چهل نفر از پیشه وران (هنرمندان) را جدا کردند و بقیه را از دم تیغ گذرانیدند. دختر چنگیز که به انتقام شوهر آمده بود آتش در خانمان مردم زد که دوزخ در برابر سرکشی شعله های اهریمنی آن به کورسو شمعی می ماند. هزار هزار و هفتصد و چهل هزار تن هلاک شدند" (یعنی ۱۷۴۰۰۰۰). نیشابور در زمان هلاکو خان مغول سیمای روشنی ندارد مگر آن که وی سرگرم فتح قلاع اسماعیلیان بوده و فقط زلزله ای در ۶۶۶ ه.ق. دگرباره شهر را

ویران کرد و خواجه وجیه الدین زنگی که در آن ادوار وزیر خراسان بود نیشابور را از نو عمارت کرد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲، ج ۳). سال های ۶۶۹ تا ۶۸۷ به بعد سال های مرمت نیشابور بود و شهری که در سال ۶۸۷ ساخته شد چون امیر غازان خان حاکم وقت دستور مرمت آن را داده بود به شهر غازان خانی معروف شده است. در سال ۷۲۵ این بطوطه در سفرنامه خویش در گذر از نیشابور راجع به آن صحبت کرده و در سال ۸۰۷ کلاویخو از بیمارستان شهر سخن به میان آورده است. سال ۸۰۸ زلزله شدید بار دیگر شهر غازان خانی را با خاک یکسان کرده و اینبار شاهرخ تیموری که از سال پیش به سلطنت رسیده بود دستور می دهد شهر جدید شاهرخانی را در سرزمین فعلی بسازند.

تصویر نیشابور در اسرار التوحید شیخ ابوسعید ابوالخیر

برای تصوّر فضای اجتماعی-کالبدی شهر در این دوره حکایات آورده شده در کتاب "اسرار التوحید" ابوسعید ابوالخیر (۱۳۶۱) منبع مفید و معتبری است که به طور خاص مورد بررسی قرار می گیرد. در میان این حکایات برخی به روشنی به حضور اقوام، ادیان و مذاهب مختلف در نیشابور آن دوره اشاره می کنند و بعضی دیگر برای دریافت تصویر کالبدی شهر و معرفی مکان هایی از قبیل مدارس، محلات شهر و عناصر تشکیل دهنده بازار شهر و ترکیب آن ها مفید هستند.

برای مثال در ضمن حکایتی راجع به محل خانقاه شیخ چنین آمده است: "چون شیخ بوسعید قدس ا... روحه العزیز چند روز به طوس مقام کرد، قصد نیشابور کرد. خواجه محمود مرید که در نیشابور بود، مردی بزرگ بود، چنانکه مریدان را بر او فرستادی و گفتم محمود راه بری نیکست. یک روز (بامداد) این محمود مرید نماز بگذارد و گفت دوش در خواب دیدم کی کوه طوس کی از نیشابورست بشکافتی و ماه از میان آن بیرون آمدی و بخانقاه کوی عدنی کویان فرود آمدی اکنون شیخ می رسد او را بخانقاه کوی عدنی کویان فرود باید آورد و شیخ را استقبال کردند چون بیکدیگر رسیدند شیخ را بخانقاه عدنی کویان فرود آوردند" (ص ۶۹).

همچنین راجع به دیگر عناصر بازار شهر آمده است: "از خادم شیخ نقل قول شده است که: مرا از میهنه بخدمت خانقاه شیخ فرستادند نیشابور و در خدمت درویشان مشغول بودم یک روز بگرمابه شدم که در پهلوئی خانقاه بود و شیخ در آن حمام بسیار رفتی" (ص ۷۲).

در حکایتی آمده است: "از خواجه ابو الفتوح غضایری

شنیدم کی گفت: هر روز نماز دیگر بر در خانقاه شیخ بر سر کوی عدنی کویان دکانی بود آب زندنی و برفتندی و فرش افکندی و شیخ آنجا بنشستندی و جوانان بیستادندی و موضع با نزهت و گشاه، و خوش بودی" (ص ۸۸).

در حکایتی دیگر فردی داستان خود را که فی ما بیز او و شیخ رفته است نقل کرده می گوید: "من دوش نیت روزه کردم، امروز به مسجد جامع می شدم چون به سر چهارسوی کرمانیان رسیدم (بر دوکان کاک پزی) کاکای پاکیزه دیدم نهاده آرزو کردم" (ص ۸۰).

"از یکی از اصحاب شیخ نقل شده است که: در بازار نیشابور می شدند، بر دکانی شلغم جوشیده بود نهاده و درویشی را نظر بر آن افتاده بود مگر دلش بدان میلی کرد شیخ ما بدانست هم آنجا کی بود عنان باز کشید، و حسن را گفت برو بدکان شلغم فروش، چندانک شلغم دارد بستان و بیار و هم آنجا مسجدی بود شیخ در مسجد شد با استاد امام و جمعی متصوفه حسن بدکان مرد رفت و شلغم بیاورد" (ص ۸۹).

راجع به بناهای عمومی شهر برای مثال این گونه آمده است: "خواجه امام ابو علی فارمدی قدس ا... روحه العزیز گفت کی من در ابتداء جوانی نیشابور بودم بطالب علی در مدرسه سراجان" (ص ۱۲۸). "یکی از اصحاب شیخ در رنجی که بر او رفته است، می گوید: دوش در وردی کی مرا بود کسلی می رفت و از آن جهت مشوش بودم. گفتم به مسجد آینه شوم و در آن حوض غسلی کنم و بر سر خاک. مشایخ روم و ورد بگذارم. چون به مسجد جامع رسیدم و بحوض فرو شدم سجاده بر طاق نهادم با جامها و بر سر آب می ریختم" (ص ۸۷).

در ضمن حکایاتی معلوم می گردد که در آن زمان در نیشابور مسیحیان و یهودیها نیز زندگی می کرده اند: "چون بکلیسا رسید

ترسایان جمع بودند و بکار خود مشغول چون شیخ را بدیدند همه گرد وی در آمدند و در وی نظاره می کردند تا بچه کار آمده است" (ص ۱۰۲). همچنین در حکایت دیگری آمده است: "آورده اند کی روزی شیخ قدس ا... روحه العزیز در نشابور برنشسته می رفت بدر کلیسایی رسید اتفاق را روز یکشنبه بود و ترسایان جمله در کلیسا جمع بودند (ص ۲۲۶).

راجع به حضور یهودیان و وجود کنیسه در شهر آن دوره در حکایتی این گونه آمده است: "هم در آن عهد کی شیخ بنشابور بود روزی شنبه بود، جمع صوفیان در راهی می رفتند، جهودی در راه می آمد طیلسان برافکنده و جامهای خوب پوشیده و به کنشت می شد از دور شیخ را می بدید که با جمع می آمد" (ص ۱۴۱).

در ضمن حکایاتی راجع به محلات شهر چنین آمده: "بوعثمان حیری از مشایخ نشابور بوده است و نشست او در محله ملقباد بوده است. شیخ را در خانقاه خویش در ملقباد (ملقباد) مجلس نهاد و ازو در خواست کی او در هفته یک نوبت مجلس گوید، شیخ اجابت فرمود" (ص ۱۱۴). همچنین آمده است: "پدرم نورالدین منور گفت رحمه ا...

علیه کی شیخ بوسعید در نشابور بجایی می رفت، بسر کوی حرب رسید دکانهای آراسته و پر میوه پاکیزه دید و از همه بازار نشابور آن موضع آراسته تر بودی، چون شیخ آنجا رسید پرسید کی چه گویند؟ گفتند سر کوی حرب. شیخ ما گفت: کسی را که سر کوی حرب چنین بود سر کوی صلحش چگونه تواند بود؟" (ص ۲۳۴). در حکایت دیگری وضعیت کالبدی بازار شهر اینگونه توصیف شده است: "یک روز شیخ حسن را آواز داد و گفت یا حسن کواره باید گرفت و بسر چهارسوی کرمانیان باید شد چون حسن آن کواره بر پشت گرفت و برین صفت از سر چهارسوی کرمانیان بخانقاه شیخ آورد بکوی عدنی کویان، و این یک نیمه راست بازار شهر نشابور بود، و پیش شیخ بیستاد شیخ بفرمود کی این را همچنان بدروازه حیره باید بردن و پاکیزه بشست و باز آوردن و آن نیمه چپ بازار شهر بود". "حسن همچنان بدروازه حیره شد و آن آلتها پاک کرد و باز آمد و چون بخانقاه رسید به او گفت: بسر چهارسوی کرمانیان باید شد و از آنجا تا به دروازه حیره باید شد و از همه اهل بازار پرسیدی؟ حسن بحکم اشارت بررفت و از سر بازار تا آخر بازار کی آمده بود از یک یک دکان پرسید" (ص ۲۱۱).

تصویر نشابور در کتاب "تاریخ نشابور" الحاکم

از جمله کتب مرجع که در بررسی تاریخ نشابور بسیار اهمیت دارد کتاب "تاریخ نشابور" معروف به "تاریخ الحاکم" است که توسط ابو عبدا... حاکم تا سال چهارصد و پنج هجری نگاشته شده است. کتاب مذکور از بین رفته و فقط ترجمه ای مختصر از آن به زبان فارسی از "احمد بن الحسن بن احمد" معروف به "خلیفه نشابوری" در اختیار می باشد که در سال ۱۳۳۹ شمسی در تهران به چاپ رسیده است. آن چه در این کتاب در باره محله های شهر آمده به گونه ای در فهم سیر تحول آن کمک می کند. برای مثال در بخشی از نوشته های این کتاب راجع به محلات شهر نشابور آمده است:

"و تمامی محلات جل و هفت [چهل و هفت] بود و یک محله متوسطه را که نه بزرگ و نه خرد محله جولاهکان گفتندی سیصد کوجه [کوجه] زیادت داشت: محله حیره، محله جامعه، فایده بود. اشرف محلات مقام اولیا و بازار حیره عظیم، اعظم اسواق شهر بود و اول بازار از سر حیره بود و مقطع او قریب روضه سلطان حسین و یک فرسخ هست تقریباً و تمام پوشیده". همچنین در مورد ارتباط بعضی از محلات با یکدیگر آمده است: "محله مولقباد بیوسته [پیوسته] اعلاء حیره است" (ص ۱۲۲).

راجع به محله شادیاخ و محلات مرتبط با آن این گونه آمده

است: "محله باب ابی الاسود محله قباب و محله خواست متصل شادیاخ است؛ همچنین آمده است: "محله شادیاخ مکان عبدالله طاهر بود و یعقوب لیث خراب کرد و بساتین ساخت و بعد از آن شهر شد" (ص ۱۲۳). "محله خرکلاباد متصل بزمجار بود و علماء صحابه و تابعین آنجا بودندی محله سرواقه طرف مغرب محله کرمانیان بوده محله باغک متصل بود به محله قز عبدالله عامر که فتح کرد آنجا نزول کرد و مسجد او آنجاست" (ص ۱۲۴).

مجموع اطلاعات کسب شده راجع به شکل شهر و همچنین تصاویر بدست آمده از متون تاریخی و ادبی همدوره شهرکهن که با شرایط و آثار باقیمانده در محدوده تقریبی شهر غازان خانی تطبیق داده شده، در نقشه ای اولیه در تصویر شماره یک نشان داده شده است. از آثار موجود در خارج شهر فعلی (نیشابور شاهرخی) می توان از مقبره شیخ عطار، امامزاده محروق و مقبره خیام نام برد. همچنین باقیمانده ارگ شادیاخ، تپه آلب ارسلان و ویرانه های بخشی از بازار شهر به تشخیص ترکیب کلی آن کمک می کنند. مقیاس نقشه بدست آمده تقریبی است و با کمک عکس هوایی منطقه با آثار و عوارض زمین تطبیق داده شده است (نگاه کنید به تصویر شماره ۱).

نقد و تحلیل مقایسه‌ای تصاویر شهر کهن نیشابور

کوچک (مربع صغیره)، تنها به وجود چهارسوی کرمانیان در نقشه های ترسیم شده بولیت و مقاله جنیدی اشاره ای نشده. همچنین در نقشه اولیه تحقیق حاضر چهار سوی کرمانیان و چهارسوی بزرگ بازار یکی در نظر گرفته شده اند.

بازار اصلی به ترتیب از شرق به غرب شامل فضاهای مهم زیر می باشد: دروازه جنگ، میدان جنگ، چهارسوی کرمانیان، مسجد آدینه (مصلی)، خانقاه شیخ ابوسعید ابی الخیر (کوی عدنی کویان)، بازار حیره، چهارسوی بزرگ، محله حیره، دروازه حیره، سرپل، گورستان معمر، چهارسوی کوچک، معسگر (لشگرگاه)، سرای امیر (دارالعماره)، میدان حسین، زندان و دروازه قباب (گنبدان). در نقشه ترسیمی بولیت محل دارالعماره و میدان حسین در نزدیکی تپه مدرسه، و تپه تاکستان در کنار آرامگاه خیام در نظر گرفته شده که هر دو مورد صحیح به نظر نمی رسد.

نقشه بدست آمده از مطالعه اولیه اگرچه تا حدودی با عوارض کالبدی موجود در منطقه تطبیق داده شده بود، ولی بسیاری از جزئیات و ظرایف آن نیاز به تحقیق بیشتر داشت. در این مورد با ادامه تحقیق و جستجوی بیشتر، سه تصویر ترسیم شده دیگر از شهرکهن نیشابور به دست آمد که حاصل مطالعات پژوهشگران دیگر بود. از مقایسه تحلیلی نقشه های مذکور و نتایج تحقیق نگارندگان مقاله، تصویر جدیدی ترسیم گردید.

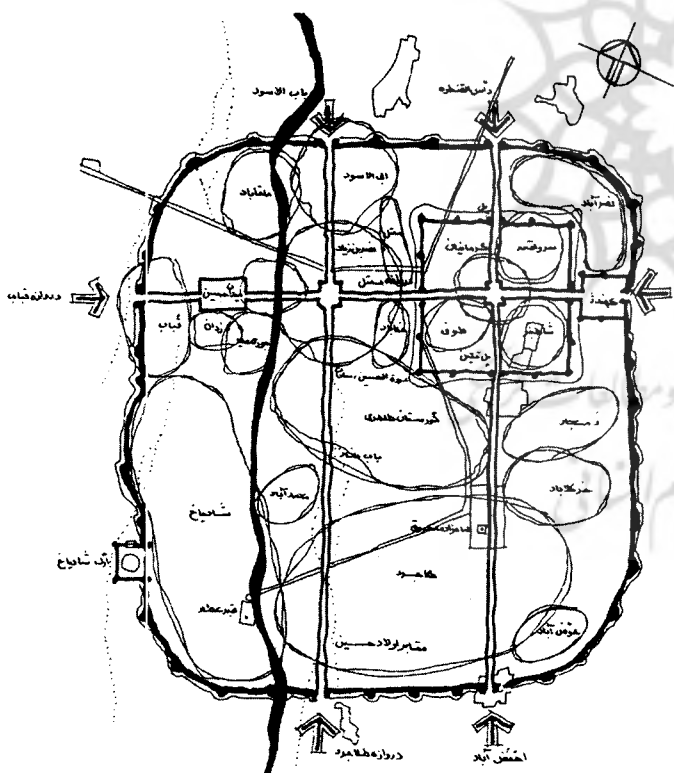
از جمله تصاویر کار شده قبلی، نقشه ترسیم شده توسط ریچارد بولیت است که به همراه مقاله ای تحقیقی در مجله ایرانیکا در سال ۱۹۷۶ میلادی به چاپ رسیده است (Bulliet, 1976) (تصویر شماره ۲). تصویر دوم نقاشی یا طراحی سه بعدی است که توسط منصور اسلامی بر اساس تحقیقی قدیمی ترسیم شده و در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می شود (تصویر شماره ۳). آخرین و سومین تصویر طرحی است که به ضمیمه مقاله آقای جنیدی (۱۳۶۶) توسط فایق توحیدی ترسیم و در جلد دوم کتاب شهرهای ایران (کیانی، ۱۳۶۶، جلد ۲، ص ۲۸۱) به چاپ رسیده است (تصویر شماره ۴).

عناصر اصلی قابل بررسی و تحلیل در نقشه های ترسیم شده از شهر قدیم، که در تحلیل و ترسیم استخوانبندی شهر تاریخی موثر می باشند، عبارتند از:

- بازار اصلی شهر کهن؛
- کهندژ و شارستان؛
- ارگ شادیاخ؛
- دروازه ها و محله های مسکونی شهر.

الف. بازار اصلی شهر کهن

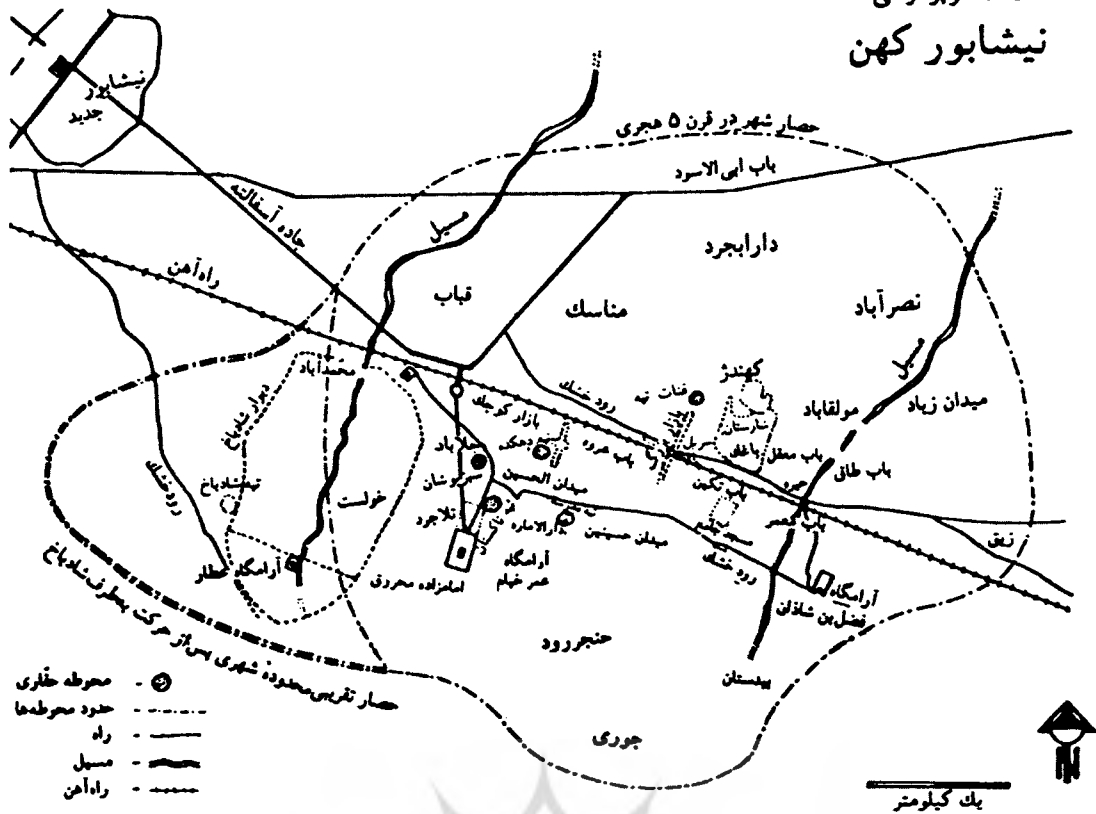
هر چهار تحقیق انجام شده معتقد به وجود بازار شرقی- غربی در شهر کهن به طول چند کیلومتر می باشند. متون تاریخی و ادبی مطالعه شده و عوارض موجود در منطقه شهر تاریخی گواه این مدعاست. این راسته بازار طولانی دروازه جنگ (راه مرو، بلخ و ماوراء النهر) را به دروازه قباب (گنبدان) متصل می ساخته است. بازار اصلی شرقی- غربی را دو یا سه بازار شمالی- جنوبی قطع می کرده که تقاطع آن ها از شرق به غرب عبارت بوده اند از: چهارسوی کرمانیان، چهارسوی بزرگ (مربع کبیره) و چهارسوی



تصویر شماره ۱

نقشه ترسیم شده از شهر غازانخانی بر اساس متون تاریخی و ادبی و تطبیق آن با آثار و عوارض باقیمانده در مکان شهر تاریخی نیشابور.

نقشه توپوگرافی نیشابور کهن



تصویر شماره ۲ - نقشه شهر کهن ترسیم شده توسط ریچارد بولیت. (Richard Bulliet, 1976) نقشه ترجمه شده به زبان فارسی: محمدرضا ریاضی کشه، ۱۳۶۹، ص ۲۵).

ب. کهندژ و شارستان

شارستان شهر کهن را مشخص می سازد. دروازه شرقی شارستان، "کهندژ"، دروازه غربی، "معقل" و دروازه جنوبی، "پل تکین" نام داشته است که در نقشه ترسیمی جدید اصلاحات لازم انجام شده است.

ج. ارگ شادیاخ

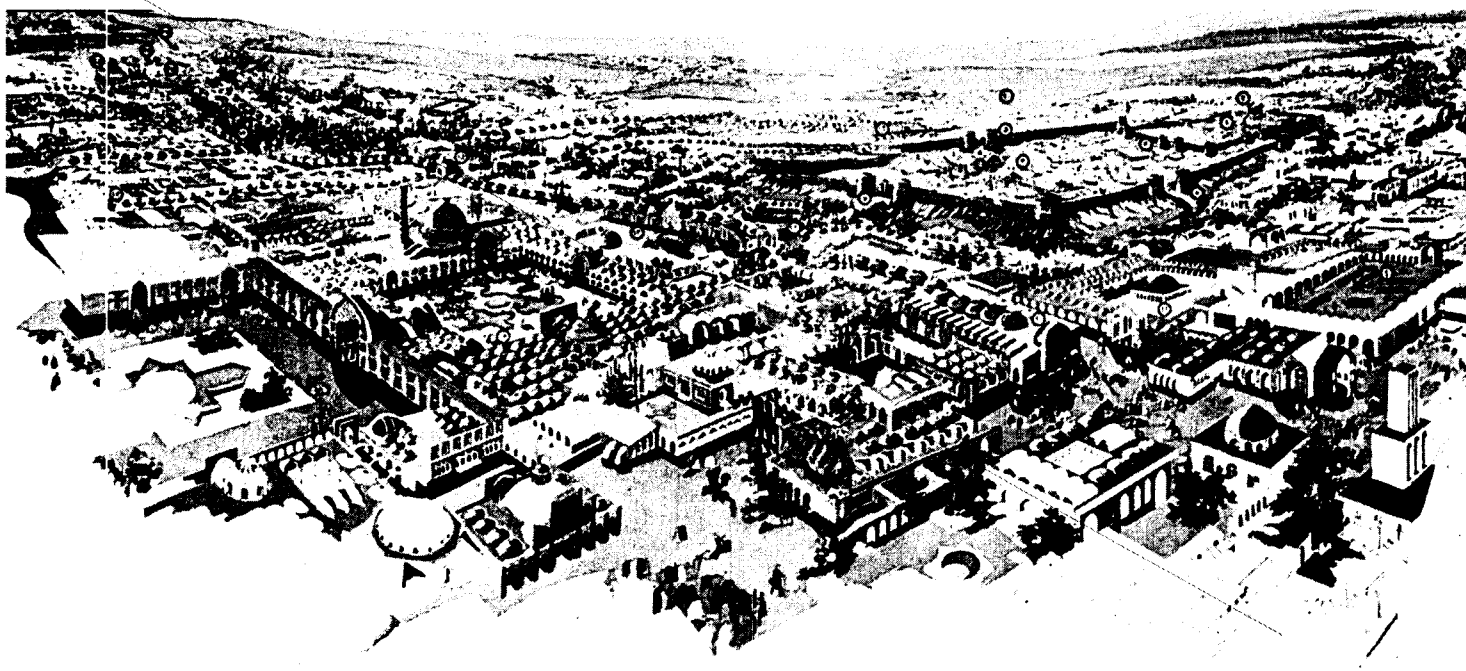
شادیاخ یا عیدگاه در کنار تپه ای به همین نام در گوشه جنوب غربی شهر نیشابور کهن و در کنار مقبره شیخ عطار قرار دارد، که با توجه به وجود شواهد محلی، مورد توافق تصاویر ترسیم شده می باشد. تنها تصویر مقاله جنیدی شادیاخ را در ناحیه شمالی شهر و در ناحیه تپه تورب آباد (آلب ارسلان) ترسیم کرده است که با متون مربوطه و آثار موجود در محل تطابق ندارد.

د. دروازه ها و محله های مسکونی

نقشه اولیه پیشنهادی این گروه، دروازه احفض آباد (حوض آباد) را در کنار مرقد امامزاده محروق تصویر کرده است. نقشه بولیت و تصویر ترسیم شده توسط اسلامی در این خصوص

هر چهار تحقیق تصویری از کهندژ (شهر عتیق) و در جنوب آن ناحیه شارستان را به نمایش گذارده اند و همگی استقرار آن را در تپه آلب ارسلان در نظر گرفته اند. تنها در نقشه اولیه ارایه شده این گروه، کهندژ در شرق شارستان و منطبق با ورودی دروازه جنگ ترسیم شده است که در نقشه نهایی اصلاح شده است. در تصویر مقاله جنیدی از شهر تاریخی، کهندژ و شارستان در میانه بازار (چهارسوی کوچک) ترسیم شده است. این مورد با بسیاری از شواهد موجود در محل، از جمله محل آثار تپه آلب ارسلان تطابق ندارد. در کار تحقیقی این گروه محله های داخلی شارستان از جمله شاهنیر، سرواقعه، فوز و بلاش آباد معرفی شده که در کارهای دیگر کمتر به آنها توجه شده است.

در تصویر ترسیمی اسلامی (که در پوشش جلد کتاب معماری ایران یوسف کیانی نیز به چاپ رسیده است) و تصویر مقاله جنیدی کهندژ را مساجدی چون مسجد عتیق یا کنه (مسجد عامر) با تک مناره، و مسجد حوض مشخص می سازد. در متون تاریخی این گونه آمده است که مسجد اولی در آغاز آتشکده ای معروف بوده و بعد از تبدیل شدن به مسجد در سال های بعد تک مناره ای به آن افزوده شده است. مجموعه اطلاعات دو نقشه فوق ترکیب بناهای عمومی و محلات



تصویر شماره ۳. تصویر شهرکهن نیشابور، ترسیم از منصور اسلامی (سارمان اسناد ملی ایران).

فضل؛ از شمال تا بالای جاده آسفالت‌ه فعلی تهران-مشهد؛ از سمت غرب تا بیرون شادیاخ و از جنوب تا بیرون شادیاخ و مقبره عطار می‌باشد. در حالی که حدود شهر در تصویر مقاله جنیدی با هیچ کدام از نقشه‌ها مطابقت نمی‌کند، تصویر ترسیم شده توسط اسلامی با نقشه ترسیم شده بولیت مطابقت بیشتری دارد. در نقشه اولیه این گروه حد شرقی شهر از تپه آلب ارسلان پیش‌تر نرفته است. دلیل آن این بوده است که بر اساس قراین موجود کهندژ و شارستان در ناحیه شرقی، نقطه تولد شهر بوده و از آن تاریخ به بعد شهر به سمت غرب گسترش یافته است.

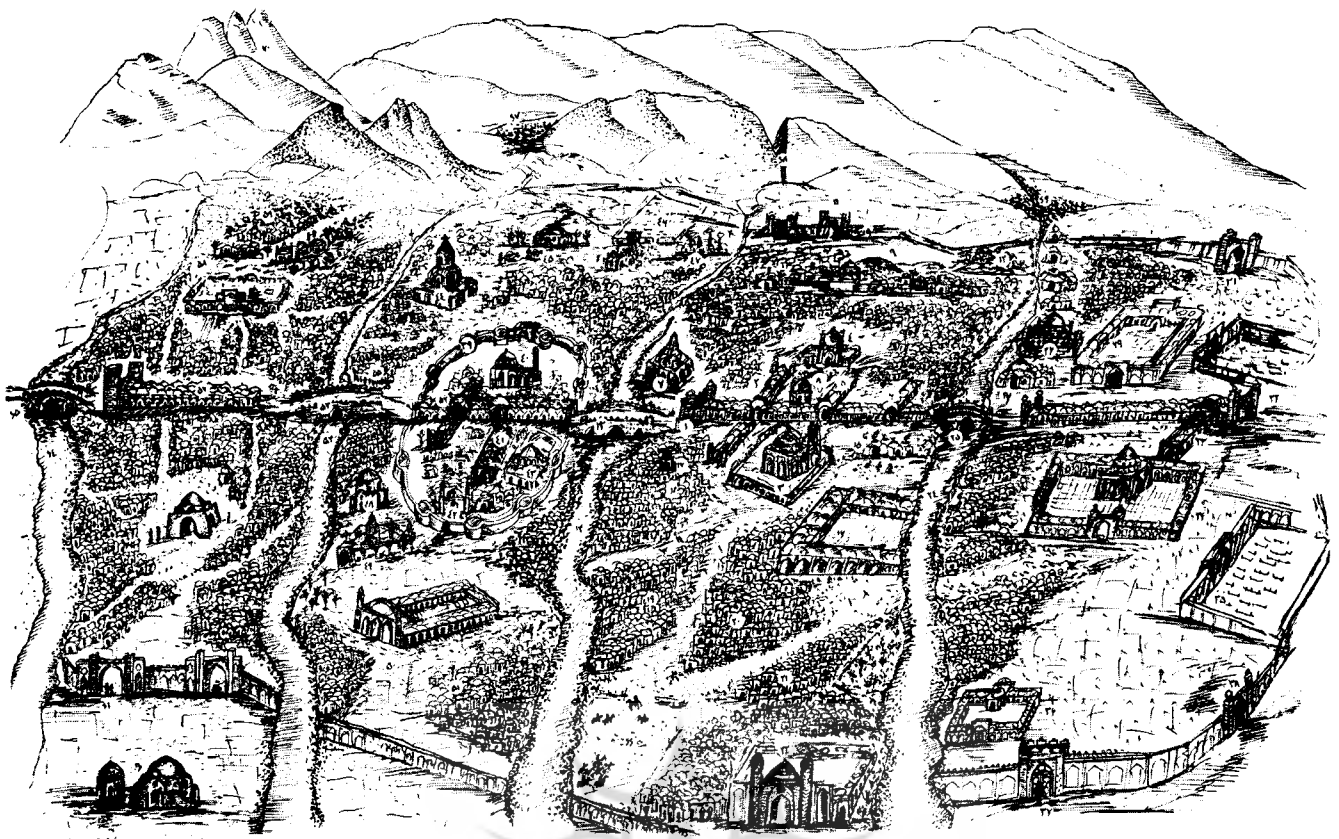
به طور کلی در نقشه اولیه پیشنهادی این گروه و تصویر مقاله جنیدی در معرفی محلات و فضاهای شهر تاریخی به جزئیات بیشتری اشاره شده است، در حالی که در دو نقشه و تصویر دیگر بیشتر به بازار و ملحقات آن و فضاهای عمومی شهر توجه شده است. یکی از اشکالات تصویر ترسیم شده توسط اسلامی اغراق در نشان دادن فضاهای عمومی و استخوانبندی اصلی شهر است، به گونه‌ای که از محلات شهر و فضاهای مسکونی اثر زیادی دیده نمی‌شود. همچنین نقشه بولیت تنها به برخی از محلات شهر اشاره کرده و در سایر موارد که آثار کالبدی مشهود در محوطه شهر تاریخی وجود ندارد سکوت کرده است.

اظهار نظری ندارد؛ در حالی که تصویر مقاله جنیدی به همراه نقشه پیشنهادی این گروه بر حضور دروازه حوض آباد در شرق امامزاده محروق و طلاجر (دروازه محله آن) در غرب امامزاده محروق مطابقت دارد. در تصویر ترسیم شده توسط اسلامی طلاجر در شرق امامزاده محروق آمده است.

سه تصویر از تصاویر و نقشه‌های ترسیم شده باب ابی الاسود را در شمال شهر آورده‌اند و تنها تصویر ترسیمی اسلامی این دروازه را معرفی نکرده است. باب یا دروازه ابی الاسود در نقشه اولیه پیشنهادی این گروه دروازه ورودی به بازار کوچک می‌باشد؛ در تصویر مقاله جنیدی دروازه مذکور به بازار باز نمی‌شود. در نقشه بولیت این دروازه حدوداً بین بازار بزرگ و کوچک پیشنهاد شده است.

در نقشه اولیه پیشنهادی این گروه راس القنطره دروازه بزرگ شهر در ناحیه شمالی است. این در حالی است که در تصویر مقاله جنیدی راس القنطره بنام دروازه پل یا پول در انتهای دروازه‌های بازار شرقی-غربی از ناحیه غربی نام گذاری شده است. به این ترتیب در نقشه اولیه این گروه تنها راه دسترسی به دروازه کهندژ از میانه شارستان است و کهندژ در ناحیه شمالی دروازه‌ای ندارد. این مورد در ترسیم نقشه نهایی اصلاح شده است.

حدود شهر قدیم در نقشه بولیت از سمت شرق بیرون آرامگاه



تصویر شماره ۴- تصویر شهر کهن نیشابور، ترسیم از فایق توحیدی (جنیدی، ۱۳۶۶، ص ۳۸۱).

نتیجه گیری: تصویر شهر کهن

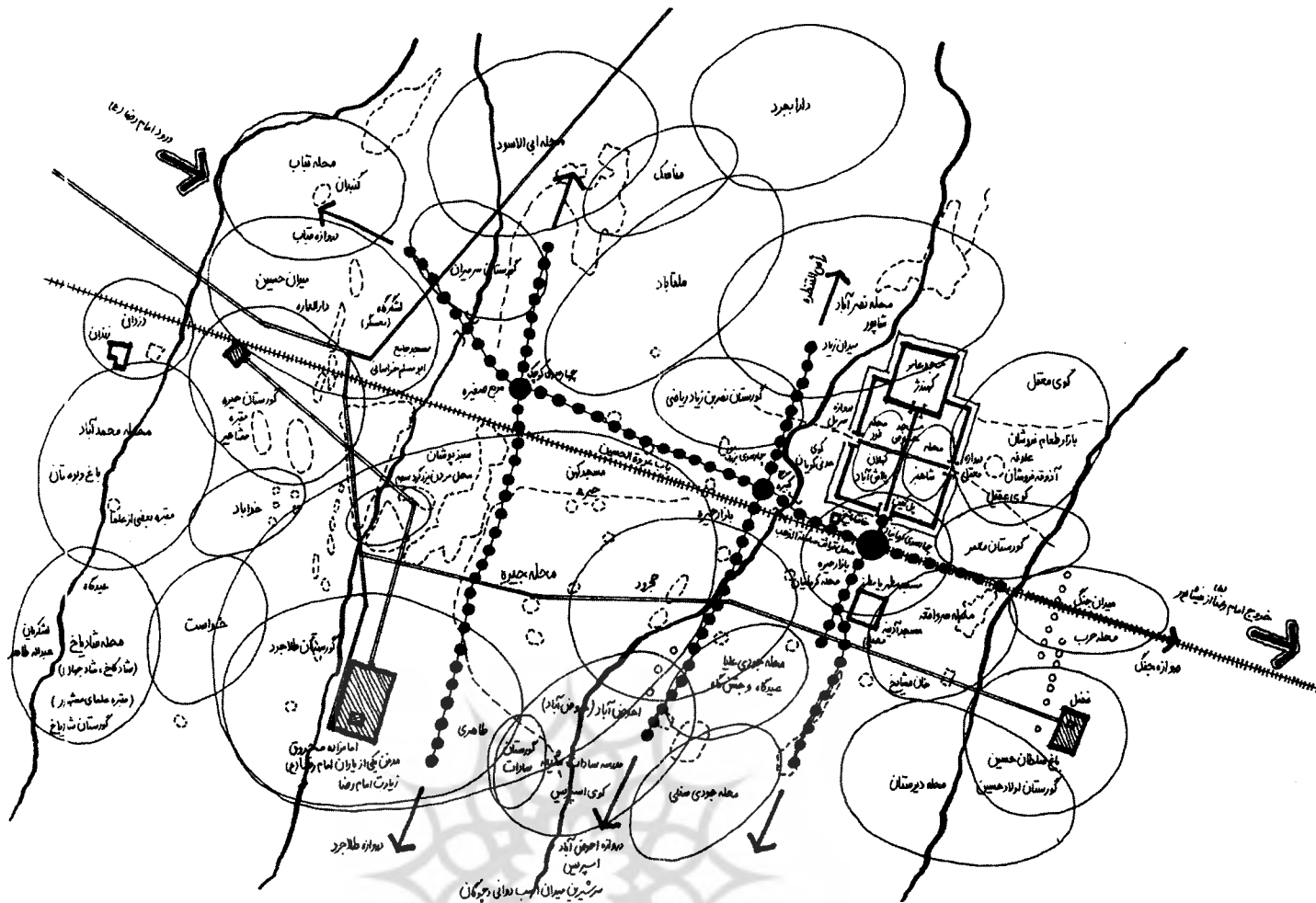
مناسب تری از شهر ترسیم نمود. این تصاویر سه بعدی هم به طریق دستی و هم از طریق ساختن مدل های کامپیوتری قابل تهیه می باشند.

در نقشه نهایی ارایه شده در این فصل (تصویر شماره ۵)، حصار شهر کهن به دلیل ابهاماتی که دارد ترسیم نشده است، ولی حدود محلات شهر و رابطه بین آن ها، و هم چنین مکان دروازه های شهر و مکان های مهم آن، از جمله بازار اصلی و چهارسوهای بازار با عوارض موجود زمین و عکس هوایی تطبیق داده شده اند. بنابراین نقشه ترسیم شده از جهت مقیاس و تناسب با وضعیت موجود محوطه شهر کهن و ارتباط آن با شهر جدید قابل تطبیق است.

نتایج این تحقیق و تصویر ترسیم شده می تواند مبنایی برای تعیین محدوده شهر کهن، ارتباط درست شهر کهن با وضعیت شهر جدید، و ایجاد مجموعه ارتباطی برنامه ریزی شده ای برای این دو بخش باشد. ایجاد چنین ارتباطی ضمن تقویت بنیان های فرهنگی شهر فعلی و پاسخگویی به نیازهای مردم نیشابور، میتواند مبنای تهیه طرح جامع گردشگری به منظور جلب گردشگران داخلی و خارجی به شهر نیشابور باشد.

مطالعه شهرهای کهن ایران از جمله شهر نیشابور نیازمند تداوم و حرکتی مشترک در میان علاقمندان به فرهنگ و تاریخ ایران اسلامی است. چنین مطالعه ای نیازمند همکاری متخصصین فن از حوزه های مختلف تاریخ، باستان شناسی و معماری و شهرسازی است. آن چه که در این تحقیق به عنوان هدف اصلی دنبال شد اتکاء به دانسته های تاریخی و کالبدی برای آفرینش تصویری شهری با ویژگی های تاریخی و فرهنگی غنی بوده است. تبیین چنین تصویری نیازمند رابطه ای چند سویه بین حوزه های مختلف تحقیق است.

برخی از مطالب بدست آمده که در مطالعه مقایسه ای مطرح شد و نتیجه آن که به صورت نقشه ای بازسازی شده ترسیم شده است، می تواند دانش پایه ای برای باستان شناسان در جهت تعیین مکان های مناسب در محوطه شهر کهن نیشابور برای گمانه زنی های جدید و کشف آثار شهر کهن باشد. در مقابل، مطالعات باستان شناسی نیز می توانند به تصحیح و بازسازی مجدد نقشه فوق کمک شایانی بنمایند. ۴. به خصوص با بدست آوردن اطلاعات بیشتر در زمینه فرم کالبدی شهر کهن می توان تصاویر سه بعدی



تصویر شماره ۵ - باز آفرینی تصویری شهر غزنانخانی (نقشه نهایی اصلاح شده).

پی نوشت ها:

۱. این تحقیق اولین بار در سال ۱۳۶۴ در درس سیر تحول شهر به راهنمایی دکتر سید محسن حبیبی در گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران انجام پذیرفته است. تصویر ترسیم شده در تحقیق فوق (تصویر شماره ۱) برای اولین بار در کتاب از شار تا شهر، تألیف دکتر سید محسن حبیبی (۱۳۷۵، ص ۸۵) به چاپ رسیده است.
۲. در این مقاله برای رعایت اختصار تصاویر تحلیلی آرایه نشده است. برای مشاهده تصاویر مراجعه شود به: (عینی فر و خوشنویس، ۱۳۷۸).
۳. برای مشاهده نقشه ترجمه شده مراجعه شود به: (ریاضی کشف، ۱۳۶۹، ص ۲۵).
۴. کاوش های سال های اخیر در شرق تپه شادیاخ وجود محله های ذکر شده را تأیید می کند. ولی هنوز این کاوش ها برای ترسیم حصار شهر کافی نمی باشد.

فهرست منابع و کتاب شناسی فارسی:

- ابن اثیر (بی تا)، الکامل، ترجمه عباس خلیلی، تصحیح مهیار خلیلی، تهران، موسسه علمی.
- ابن حوقل (۱۳۴۵)، صوره الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالخیر، شیخ ابو سعید (۱۳۶۱)، اسرار التوحید، به اهتمام ذبیح ... صفا، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- الحاکم نیشابوری (۱۳۳۹)، تاریخ نیشابور، به کوشش بهمن کریمی، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- استخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۴)، المسالک والممالک، به کوشش پرتو نوری و محمد علی سپانلو.
- اعتضادی، لادن (۱۳۷۴)، "نیشابور (ابر شهر)"، مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۲۹۲ هـ ق)، مرآت البلدان، چاپ تهران.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۲)، مطلع الشمس، جلد های ۱-۳، تهران، پیشگام.
- بارتولد، و (۱۳۵۸)، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران، انتشارات توس.

- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶)، قنوج البلدان، ترجمه اذرتاش آذرنوش، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- بنکدار، محمد (۱۳۶۹)، کتابشناسی نیشابور، مشهد، دانشگاه فردوسی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک (۱۳۶۸)، تاریخ ثعالبی، ترجمه محمد فضائلی، تهران، نشر نقره.
- جنیدی، فریدون (۱۳۶۶)، "نیشابور" در کتاب شهرهای ایران یوسف کیانی، جلد ۲، صص ۴-۳۶۳.
- جنیدی، فریدون (۱۳۵۸)، زندگی و مهاجرت نژاد آریا، چاپ اول، نیشابور، بنیاد نیشابور شناسی.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله (۱۳۴۹)، جغرافیای حافظ ابرو، قسمت ربع خراسان، هرات، بنیاد فرهنگ ایران.
- حموی، یاقوت (۱۳۲۲)، معجم البلدان، قاهره.
- خواندمیر، خواجه غیاث الدین (۱۳۲۳)، حبیب السیر، تهران، کتاب فروشی خیام.
- داثره المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۷۰)، چاپ دوم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- راوندی، محمدابن علی بن سلیمان (۱۳۶۴)، راحه الصدور و آیه الشور در تاریخ آل سلجوق، تصحیح محمد اقبال، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ریاضی کشف (۱۳۶۹)، محمد رضا، نیشابور از دیدگاه باستان شناسی، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال ششم، شماره اول و دوم، صص ۲۰-۲۰.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۷)، تاریخ ایران بعد از اسلام، چاپ دوم، تهران، امیر کبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۴)، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران، امیر کبیر.
- عرفان منش، جلیل (۱۳۷۴)،
- جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا (ع) از مدینه تا مرو، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی استان قدس رضوی.
- عطاردی، عزیزا... (۱۳۶۸)، اخبار و آثار حضرت امام رضا (ع)، تهران، کتابخانه صدر.
- عینی فر، علیرضا و خوشنویس، احمد (۱۳۷۸)، باز آفرینی تصویری شهر از متون تاریخی، در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران، آرگ بوم، جلد دوم، صص ۴۶۰-۴۲۵.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۵) (گردآورنده)، شهرهای ایران، جلد اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کیانی، محمد یوسف (گردآورنده) (۱۳۶۶)، شهرهای ایران، جلد دوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گرایلی، فریدون (۱۳۵۷)، نیشابور شهر فیروزه، چاپ اول، مشهد، انتشارات توس.
- گردیزی، ابوسعید (۱۳۶۳)، تاریخ گردیزی، به تصحیح و تحشیه عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.
- لسترنج، گای (۱۳۲۷)، "جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی"، ترجمه محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مستوفی، حمداله (۱۳۳۶)، نزهت القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، مولفان و مترجمان.
- ملویل، چارلز (۱۳۶۱)، "زلزله ها در تاریخ نیشابور"، ترجمه ترکاندخت ثقه الاسلام و باقر شیرازی، مجله اثر، شماره ۷-۹، صص ۴۹-۶۸.
- ناصرخسرو قبادیانی (۱۳۶۳)، سفرنامه ناصرخسرو، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، چاپ دوم، تهران، نشر زوار.
- حموی، یاقوت (۱۹۶۸)، معجم البلدان، بیروت، دار بیروت.
- یعقوبی، احمد (۱۳۴۲)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم ایتمی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

فهرست منابع و کتاب شناسی غیر فارسی:

- Bulliet, Richard (1976), "Medieval Nishapur: A Topographic Reconstruction", *Studia Iranica*,
Tone 5, pp. 68-89.
- (1972), *The Paticians of Nishapur: A Study in Medieval Islamic Social History*, Cambridge,
Mass.
- (1966), *The Topography and Topographic History of Nishapur*, PhD diss., Harvard
University.
- Melville, R.W (1980), "Earthquakes in the History of Nishapur", *Iran*, 18, pp. 99-104.
- Wilkinson, Charles. K. (1959), "The Kilns of Nishapur", *Bull. of the Metropolitan Museum of
Art*, 17, pp. 235-40.
- (1950), "Life in Early Nishapur", *Bull. of the Metripolitan Museum of
Art*, n.s, 9. pp. 60-72.